

# سیاست های کلی انتخابات؛ رفع معضل یا چارچوبی برای نظام جامع انتخاباتی

دکتر مسعود جعفرنژاد<sup>۱</sup> صالح اسکندری<sup>۲</sup>

## چکیده

تعیین و تنظیم سیاست های کلی انتخابات از اهمیت بسزایی در رفع معضلات فرایند انتخابات و همچنین طراحی چارچوبی کلان برای نظام جامع انتخاباتی برخوردار است. سیاست های کلی به عنوان قواعد تصمیم گیری و قانون گذاری در حوزه انتخابات با رعایت یک سری ملاحظات که مربوط به گذشته است و متغیرهای جدیدی که مربوط به حال و آینده می باشد، می تواند مقدمات ارائه چارچوبی کلان، برای نظام جامع انتخاباتی را فراهم کند. در این مقاله تلاش شده با برشمردن برخی از این ملاحظات و متغیرهای جدید، یک چارچوب راهنما برای تنظیم نظام جامع انتخاباتی در ایران، که منتهی به تقویت و تثبیت ارزش ها و هنجارهای سیاسی مردم سالاری دینی می شود، ارائه گردد.

## واژگان کلیدی

انتخابات، سیاست های کلی، نظام جامع انتخاباتی، قانون انتخابات

## مقدمه

- ۱- عضو هیأت علمی دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا.
- ۲- دکترای علوم سیاسی عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور.

یکی از وظایف و ماموریت های مجمع تشخیص مصلحت نظام، مطابق اصل ۱۱۰ قانون اساسی ارایه مشاوره به مقام معظم رهبری در تعیین سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران است. از سال ۱۳۷۷ تا شهریور ۱۳۹۰ مجموعاً ۳۵ عنوان سیاست کلی توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب و تقدیم مقام معظم رهبری شده، که از سوی معظم له ابلاغ گردیده است. اولین مورد از سیاست های کلی نظام که در مجمع تشخیص مصلحت نظام، تصویب و توسط مقام معظم رهبری ابلاغ گردید. سیاست های کلی نظام در بخش شبکه های اطلاع رسانی رایانه ای (ابلاغی - مصوب ۱۳۷۷/۰۷/۱۱) بود و آخرین عنوان مربوط به سیاست های کلی ابلاغی توسط مقام معظم رهبری در حوزه جمعیت (ابلاغی ۱۳۹۲/۰۲/۳۰) می باشد.<sup>۱</sup>

یکی از ماموریت های ششمین دوره مجمع تشخیص مصلحت نظام، که در پیوست حکم انتصاب اعضای جدید در تاریخ ۲۴ اسفند ۱۳۹۰ از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ گردیده، تعیین سیاست های کلی نظام در حوزه انتخابات است. ضرورت تدوین سیاست های کلی انتخابات ناظر به مسائل و معضلاتی است که در سه دهه گذشته گریبان گیر قانون انتخابات بوده و باعث گردیده که این قانون در مجالس مختلف دست خوش تغییرات و اصلاحات فراوانی گردد؛ به گونه ای که این قانون بیش از ۵۰ بار مورد بازنگری قرار گرفته است. نکته قابل تامل آن که در این تغییرات، عمدتاً پویش های حزبی - جناحی، و حتی تمایلات و منافع صنفی - سیاسی، ذی مدخل بوده است.

بررسی سیاست های کلی انتخابات با توجه به تصریح مقام معظم رهبری در پیوست حکم اعضای دوره ششم مجمع تشخیص مصلحت نظام، به عنوان یک اولویت مهم در دستور کار مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گرفت.

جهت تعیین سیاست های کلی انتخابات که مبنایی برای قانون گذاری در حوزه انتخابات و در نهایت، ترسیم هندسه "نظام جامع انتخاباتی" در ایران قرار می گیرد، بایستی به سوالات عمده ای پاسخ داد که در عین ملاحظه معضلات گذشته، به مسائل پیش رو نظر دارند. پرسش های مهم و به ظاهر ساده ای نظیر این که، ما از نظام جامع انتخاباتی در ایران چه می خواهیم؟ قرار است خروجی این مکانیسم چه باشد؟ آیا قائل به تقویت احزاب و جامعه مدنی در سایه نظام جامع انتخاباتی هستیم؟ آیا این مکانیسم در مسیر نوسازی نظام سیاسی که یکی از تاکیدات رهبر معظم انقلاب است،<sup>۲</sup> منجر به بسترسازی در مسیر تکوین نظام پارلمانی و یا تقویت نظام ریاستی می شود؟ آیا کارگزاران نظام سیاسی که از دل این نظام جامع انتخاباتی برای ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان و شوراهای اسلامی شهر و روستا گزینش می شوند،

۱- پایگاه اطلاع رسانی مجمع تشخیص مصلحت نظام <http://maslahat.ir>.

۲- رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴.

تجانس لازم با مردم سالاری دینی دارند؟ و پرسش‌هایی از این دست، که تعیین و تنظیم سیاست‌های کلی نظام در حوزه انتخابات مسبوق به پاسخگویی آنهاست. در این مجال و مجلا راقم این سطور بر آن است، برخی از ملاحظات عمده و متغیرهای مهم را در خصوص تعیین سیاست‌های کلی انتخابات در مجمع تشخیص مصلحت نظام و هم چنین پاسخ به برخی پرسش‌هایی که در این خصوص مطرح است را به قدر بضاعت به رشته تحریر درآورد. دقت نظر صاحب نظران در این عرصه می‌تواند بر غنای آن بیفزاید.

### ۱- جامع‌نگری در تصویب قانون انتخابات

از مهم‌ترین قوانین داخلی در جوامع مختلف قانون انتخابات است، که برخی پژوهشگران علوم سیاسی حتی آن را هم طراز قانون اساسی نیز ارزیابی نموده‌اند. از این رو یکی از مهم‌ترین ملاحظات، در جریان تصویب سیاست‌های کلی انتخابات در مجمع تشخیص مصلحت نظام، جامع‌نگری و مانع‌اندیشی به خصوص در هنگام تصویب قانون انتخابات در مجلس شورای اسلامی است. یعنی این سیاست‌های کلی باید بتواند مولد یک قانون «جامع و مانع» برای انتخابات باشد. یکی از آسیب‌های جدی در قانون انتخابات، تغییراتی است که در ادوار مختلف مجلس، فارغ از تعاملات کارشناسی و متأثر از منافع شخصی، گروهی و جناحی در ماه‌های منتهی به انتخابات در این قانون اعمال گردیده است، به نحوی که قانون انتخابات در ۳ دهه گذشته بیش از ۵۰ بار مورد تجدید نظر و اصلاح قرار گرفته است. یک نمونه از این تجدیدنظرها در ماه‌های پایانی مجلس هشتم، در خصوص شرایط نامزدهای انتخابات مجلس، به تصویب رسید و در نهایت مورد تایید شورای نگهبان نیز قرار گرفت. بر اساس اصلاح ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی "مصوب ۱۳۷۸" و اصلاحات بعدی آن، که در خصوص شرایط کاندیداهای انتخابات مجلس است، افراد دارای مدرک کارشناسی (لیسانس و پایین‌تر از آن) به هیچ وجه نمی‌توانند در انتخابات مجلس نامزد شوند، مگر این که سابقه نمایندگی در مجلس شورای اسلامی را داشته باشند. تصویب طرح اصلاح ماده ۲۸ قانون انتخابات و اصلاحات بعدی آن در چند ماه مانده به انتخابات مجلس صورت گرفت. این امر در آن مقطع به معنای تحدید دامنه رقابت‌های سیاسی بود و منجر به محرومیت بخش کثیری از نخبگانی گردید که قرار بود در این انتخابات شرکت نمایند، اما فاقد مدرک کارشناسی ارشد بودند و البته در این فرصت اندک، قادر به اخذ مدرک کارشناسی ارشد نبودند. براساس این قانون، برای رقابت در انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی دایره محدودی ترسیم شده بود، که تنها دارندگان مدارک تحصیلی کارشناسی ارشد و بالاتر، می‌توانستند در آن حضور یابند و بخش عظیمی از نامزدها از حضور در رقابت محروم ماندند. اصلاح قانون در ماه‌های منتهی به انتخابات مجلس نهم و استثنا کردن کسانی که سابقه نمایندگی در مجلس شورای اسلامی را داشتند، این شائبه

را به وجود آورد که برخی نمایندگان به خاطر حذف رقبای خویش در حوزه‌های انتخابیه دست به چنین اقدامی زده‌اند. نمونه‌هایی همانند مورد مذکور، در ادوار مختلف مجلس شورای اسلامی و همچنین لوایح تنظیمی دولت‌های مختلف در خصوص قانون انتخابات در ۳۳ سال گذشته، به وفور وجود دارد. از این رو به نظر می‌رسد سیاست‌های کلی انتخابات توانسته است به لحاظ جایگاه بالادستی خود، یک ثبات حداقل ۱۰ ساله را در قانون انتخابات تامین نماید و یا محدودیت‌ها و شرایط خاصی را برای تجدید نظر در قانون انتخابات ترسیم نماید. مثلاً اگر طرح و لایحه‌ای در خصوص اصلاح قانون انتخابات مطرح گردید، بر اساس آیین‌نامه داخلی مجلس تنها با تصویب دو سوم نمایندگان مجلس اجازه طرح در صحن علنی را احراز نماید.

## ۲- جایگاه احزاب سیاسی در قانون انتخابات

از مهم‌ترین خلاءهای قانون انتخابات در کشور ما تعریف نقش و جایگاه احزاب سیاسی در انتخابات است. البته این مقوله، مسبوق به پاسخ این پرسش است که، آیا اساساً نظام جمهوری اسلامی خواهان حضور قوی احزاب در صحنه سیاست است و یا بر آن است تا از قدرت‌یابی احزاب سیاسی بکاهد تا نقش مردم در فرایند انتخابات کم رنگ نگردد؟ در اغلب جوامع مردم‌سالار، رابطه مستقیمی میان قوانین انتخابات و احزاب سیاسی وجود دارد. بلیس و کاترتی (۱۹۹۱) ضمن تحقیقی به بررسی ۵۰۹ مورد انتخابات در ۲۰ کشور مختلف پرداختند و با مقایسه قوانین انتخاباتی این کشورها نتیجه گرفتند که، در نظام‌های انتخاباتی یک مرحله‌ای به‌طور میانگین ۵ حزب، در نظام‌های اکثریتی دو مرحله‌ای و در نظام‌های تناسبی ۸ حزب در صحنه انتخابات با یکدیگر در حال مبارزه و رقابت انتخاباتی می‌باشند.<sup>۱</sup>

در واقع امکانات و امتناعات قوانین انتخاباتی به‌طور مستقیم می‌تواند مقاوم و یا تضعیف‌کننده جایگاه احزاب در یک کشور باشد. به عنوان نمونه چنانچه قانون‌گذار موافق تقویت جایگاه احزاب در یک کشور باشد، معمولاً به سمت نظام‌های انتخاباتی «تناسبی و لیستی بسته» پیش می‌رود. در نظام‌های انتخاباتی «تناسبی» بر خلاف نظام‌های «اکثریتی» که گروه‌های اقلیت، آرای کمتری را به دست آورده‌اند از گردونه اداره کشور حذف می‌شوند، احزاب کوچک نیز به تناسب آرای خود دارای کرسی‌هایی در مجلس یا دولت می‌شوند. در نظام‌های انتخاباتی «لیستی بسته» نیز که در کشورهایی نظیر آرژانتین، آلمان، ژاپن، ایتالیا و برزیل متداول است، رأی‌دهندگان از میان فهرست‌های مختلف، تنها حق انتخاب یکی از آنها را همان‌گونه که هست، دارند و نمی‌توانند هیچ‌گونه دخل و تصرفی در فهرست‌ها به عمل آورند. در نظام فهرست بسته، رأی‌دهندگان در حقیقت به احزاب سیاسی رأی می‌دهند، نه به نامزدهای خاص.

۱- André Blais and R.K. Carty, «The Psychological Impact of Electoral Laws: Duverger's Elusive Factor», British Journal of political Science, vol,21(1991), pp.79-93.

این نوع انتخابات موجب می‌گردد احزاب سیاسی و به ویژه رهبران آنها، کارگردان اصلی صحنه‌های سیاسی باشند.<sup>۱</sup>

در واقع این دو مولفه در قوانین و نظام‌های انتخاباتی به طور مستقیم مبین نقش و جایگاه احزاب سیاسی هستند. جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یک نظام مردم‌سالار دینی بر اساس اصل ۲۶ قانون اساسی فعالیت آزادانه احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی را به رسمیت می‌شناسد؛ مشروط بر این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. مقام معظم رهبری نیز سال گذشته ضمن آغاز بحث جدیدی در فضای نخبگی کشور تحت عنوان نوسازی نظام سیاسی، بر این مهم که جمهوری اسلامی با تحزب مخالف نیست، تاکید کردند و فرمودند: «حزبی که مورد نظر ماست، عبارت است از یک تشکیلاتی که نقش راهنمایی و هدایت آحاد مردم را به سمت یک آرمان‌هائی ایفاء می‌کند». ایشان در این زمینه افزودند: «حزب عبارت است از کانال‌کشی برای هدایت‌های فکری؛ حالا چه فکری به معنای سیاسی، چه فکری به معنای دینی و عقیدتی... البته کسانی که یک چنین توانایی‌ای داشته باشند، به طور طبیعی در مسابقات قدرت، در انتخابات قدرت هم آنها صاحب رأی خواهند شد، آنها برنده خواهند شد، لیکن این هدفشان نیست».<sup>۲</sup>

در حقیقت مردم‌سالاری دینی نه تنها با تحزب مخالف نیست، بلکه نهادسازی در قالب احزاب اسلامی برای سازماندهی فعالیت‌های سیاسی در نظام مردم‌سالاری دینی را یک ضرورت می‌داند. با این تفاوت که حزب در فرهنگ سیاسی-اسلامی کلوپ قدرت به منظور سهم خواهی نیست. انگیزه اصلی احزاب اسلامی برای حضور در انتخابات در فضای جمهوری اسلامی، همان تقرب الهی یا تلاش در جهت استمرار ولایت خدا در زمین است. در واقع احزاب در مردم‌سالاری دینی، بازوی نظام اسلامی و نهادی برای هدایت‌های فکری، سیاسی و عقیدتی، در راستای افزایش کیفیت حیات مادی و معنوی شهروندان هستند. در این راستا، احزاب اسلامی دعوت به خدا می‌کنند و نه دعوت به خود، و همین دعوت به خدا به طور طبیعی اقبال و پویای مردمی در حمایت از این احزاب را به وجود می‌آورد. با این وصف، هنوز سوالات بسیاری در خصوص جایگاه تحزب در هندسه قدرت در ایران وجود دارد، که طبیعتاً پاسخ به برخی از این پرسش‌ها در اولویت بندی سیاست‌های کلی انتخابات مشخص می‌شود. پرسش‌هایی نظیر این که:

**الف) مسئله رقابت در انتخابات به عنوان یکی از ابعاد اصلی تحزب، در مهندسی احزاب**  
 ۱- ایوبی، حجت‌الله، نقد و بررسی نظام‌های انتخاباتی جهان، پورتال رسمی وزارت کشور. (<http://www.moi.ir/portal/Home/Default.aspx?CategoryID=61ab96da-f799-4f13-a01a-ea325b719882>)

۲- رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴.

اسلامی چگونه حل می شود؟

- ب)** در این مهندسی، رقابت دو حزبی است یا چند حزبی؟  
**ج)** اگر دو حزبی است، ریل ثبات و نقطه استقرار آنها کجاست؟  
**د)** اگر چند حزبی و موید پلورالیسم سیاسی است، تعدد و تکثر احزاب را تا کجا پذیرفته است؟  
**ه)** آیا نظام انتخاباتی اکثریتی - ترجیحی فعلی، در ایران می تواند به احزاب سیاسی کمک کند؟

**و)** کمیت و تعداد احزاب چه نسبتی با مقوله ثبات سیاسی دارد؟  
**ز)** توزیع مهارت های سیاسی یا همان کادر سازی با چه هدفی و در چه راستایی صورت می پذیرد؟ تعمیق باورهای عقیدتی و یا آماده سازی برای حضور در مناصب و سمت های حکومتی؟

**ح)** چالش بدبینی و سوء ظن افکار عمومی نسبت به تحزب را که از پیشینه ای تاریخی برخوردار بوده و از دوران انجمن های سری و فراموش خانه ها آغاز شده و تا احزاب دولت ساخته پهلوی و حتی برخی احزاب که در جمهوری اسلامی، در برهه انتخابات، بدون هیچ گونه پشتوانه اجتماعی مثل قارچ سر بر می آورند، ادامه داشته و دارد را چگونه می توان حل کرد؟

الگوسازی خردمندانه تحزب در قالب سیاست های کلی انتخابات و تعریف نقش و جایگاه احزاب سیاسی در انتخابات مختلف، اعم از ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان و مجلس خبرگان، ضمن بسترسازی برای ایجاد انعطافات لازم در مسیر نوسازی نظام سیاسی، آینده رقابت سیاسی را نیز در ایران رقم خواهد زد.

### **۳) شفاف سازی نظام انتخابات**

یکی از مولفه هایی که در جریان تنظیم سیاست های کلی انتخابات در مجمع تشخیص مصلحت نظام بایستی مورد عنایت قرار گیرد، شفاف سازی نظام انتخاباتی در ایران در دو حوزه اجرا و نظارت است. شفاف سازی به حالتی اطلاق می گردد که، رای دهندگان، به این اطمینان برسند که رای آنها در نهایت سلامت به صندوق وارد شده و بدون هیچ تغییری خوانده می شود و نتیجه انتخابات را رقم می زند. البته این شفاف سازی می تواند در خصوص کلیه عناصر مهم و کلیدی در انتخابات نظیر رسانه ها، احزاب، رای دهندگان، فضای انتخابات، رقابت، قانون و ... مطرح گردد. در ادامه به برخی ملاحظات در این دو حوزه پرداخته می شود.

### **۳-۱- شفاف سازی بعد اجرایی انتخابات**

شیوه‌های متفاوتی جهت برگزاری و اجرای انتخابات در کشورهای مختلف وجود دارد. در برخی از کشورها قوه مجریه و در برخی دیگر، نهادهای فرا قوه‌ای تحت عنوان «کمیسیون ملی انتخابات» و یا عناوین دیگر مامور اجرای انتخابات هستند. در کشور ما بر اساس قوانین «عادی» طی سه دهه گذشته، «قوه مجریه» مامور برگزاری انتخابات بوده است. در قانون اساسی، تنها در اصل ۹۹ به نقش شورای نگهبان در نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و همه‌پرسی اشاره گردیده و ماموریت دولت در برگزاری انتخابات، بر اساس قوانین عادی مصوب مجلس شورای اسلامی است.

کمیسیون سیاسی، دفاعی و امنیتی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، در یکی از پیشنهادات خود جهت تنظیم سیاست‌های کلی انتخابات در راستای تغییر مجری برگزاری انتخابات، موضوع تشکیل کمیسینی مرکب از وزیر کشور و وزیر اطلاعات از جانب دولت، رئیس دیوان محاسبات کشور و یک نفر به انتخاب مجلس که ترجیحاً رئیس کمیسیون اصل نود پیشنهاد شده است و هم چنین دادستان کل کشور و رئیس سازمان بازرسی کل کشور از طرف قوه قضاییه، یک نفر از اعضای حقیقی مجمع تشخیص مصلحت نظام، رئیس شورای عالی استان‌ها، رئیس سازمان صدا و سیما و یک نفر نیز از اعضای شورای نگهبان بدون حق رای، را عنوان نموده بود.

این پیشنهاد اگر چه به ظاهر مال اندیشانه می‌نماید، اما نقش مهمی در ارتقای نظام انتخاباتی ایران و شفاف سازی آن ایفا نخواهد نمود. چرا که می‌توان با انجام اصلاحاتی در نحوه عملکرد هیات‌های اجرایی، فرمانداری‌ها و استانداری‌ها، از برخوردهای سلیقه‌ای و جناحی اجتناب نموده و در ضمن ارتقای نظام انتخاباتی، از آسیب‌های تغییر مجری انتخابات در شرایط کنونی مصون ماند.

جمهوری اسلامی تا به امروز بیش از ۳۰ دوره انتخابات برگزار نموده است که در همه آن‌ها دولت مجری و برگزار کننده بوده است. طی سه دهه گذشته دولت‌های مختلف، انتخابات را در نهایت سلامت برگزار کرده‌اند که بعضاً نتایج انتخابات کاملاً بر خلاف میل و نظر آنها بوده است. از صندوق‌های رای وزارت کشور در دوران تصدی علی محمد بشارتی، وزیر کشور وقت هاشمی رفسنجانی، محمد خاتمی از جناح اصلاح طلب بیرون آمد و در دوره موسوی لاری وزیر کشور دولت اصلاحات، احمدی نژاد از جریان اصول گرا، پیروز انتخابات اعلام شد. در دوره اصلاحات، در انتخابات مجلس هفتم، مجلسی با اکثریت اصول گرا شکل گرفت. از دل دولت کارگزاران، مجلس پنجم که اکثریت آن، اصول گرایان بودند بیرون آمد و ... دولت نهم و دهم نیز تا کنون ۵ انتخابات را برگزار کرده است، که هر کدام به لحاظ تعداد مشارکت

کنندگان، شور و نشاط انتخاباتی و انضباط قانونی در برگزاری و اعلام نتایج نصاب مطلوبی را به جای گذاشته است.

از سویی سلامت انتخابات در ایران در گرو مزیت نسبی مردمی بودن آن است. هیچ انتخاباتی را در ایران دولت ها به تنهایی برگزار نکرده اند. در بیش از ۳۰ انتخابات گذشته معتمدین مردم در محله ها و حوزه های انتخابیه، دست اندرکاران اصلی انتخابات بوده اند. بلافاصله پس از صدور دستور شروع انتخابات از طرف وزارت کشور، فرمانداران، دستور تشکیل هیات های اجرایی را به بخشداران صادر نموده و موظف هستند ظرف سه روز هیات های اجرایی انتخابات شهرستان را به ریاست خود و عضویت رئیس ثبت احوال و دادستان یا نماینده وی و ۸ نفر از معتمدین تشکیل دهند. این معتمدین نباید هیچ گونه خویشاوندی نسبی و سببی با داوطلبین انتخابات داشته باشند.

در مجموع به نظر می رسد شفاف سازی حوزه اجرا در انتخابات، با برخی اصلاحات در نحوه مدیریت قوه مجریه بر هیات های اجرایی، شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان، نحوه اعلام داوطلبی و رسیدگی به صلاحیت داوطلبان، تبلیغات، جرائم و تخلفات انتخاباتی و هم چنین تشدید و یا کاهش مجازات ها، چگونگی شمارش و اعلام نتایج و ... حاصل گردیده و نیازی به تغییر مجری انتخابات، حداقل در برهه زمانی فعلی نباشد.

### ۳-۲- شفاف سازی بعد نظارتی انتخابات

یکی دیگر از متغیرهای شفاف سازی نظام انتخاباتی در ایران، ضابطه مند نمودن حوزه نظارت در انتخابات است. همانگونه که پیش از این ذکر شد بر اساس اصل ۹۹ قانون اساسی شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و همه پرسی را بر عهده دارد. بر اساس قانون، تنها نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا به مجلس شورای اسلامی سپرده شده است. این در حالی است که نظارت مجلس بر انتخابات شوراها با اشکالات اجرایی فراوانی روبروست و مجلس شورای اسلامی فاقد ظرفیت ها و امکانات نظارتی لازم در سرتاسر کشور اعم از شهر و روستا است. اقتضای «وحدت سیاق و رویه» در برگزاری و نظارت بر انتخابات نیز نظارت شورای نگهبان قانون اساسی را حتی برای انتخابات شوراها ضروری می نماید.

موضوع ضابطه مندی نظارت شورای نگهبان بر انتخابات که بر اساس پاسخ استفساریه رییس هیات مرکزی نظارت بر انتخابات در سال ۱۳۷۰ شامل تمام مراحل اجرایی انتخابات، از جمله تأیید و رد صلاحیت کاندیداها می شود، از دیگر پارامترهایی است که می تواند منجر به شفاف سازی حوزه نظارت در انتخابات گردد. با توجه به این که شورای نگهبان مرجع اصلی نظارت بر حسن اجرای قانون انتخابات است؛ نیازمند ضوابط مشخص و مصرح در



قانون اساسی، در مراحل نظیر احراز صلاحیت‌ها، تایید، توقف یا ابطال انتخابات، چگونگی تشکیل هیئت‌های نظارت، کیفیت نظارت بر مراحل مختلف انتخابات و ... می‌باشد تا برخی شبهات که در انتخابات گذشته، در مواردی نظیر رد صلاحیت‌ها وجود داشته، برطرف گردد. به عنوان نمونه یکی از ابهاماتی که در نحوه احراز صلاحیت نامزدهای ریاست جمهوری وجود دارد، شاخص‌های مربوط به رجال سیاسی و مذهبی است. بر اساس اصل ۱۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (رییس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور). پیرو بررسی اصلاح قانون انتخابات در کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس، رئیس این کمیسیون گزارشی از نحوه تعیین شاخص‌های رجل سیاسی بودن در انتخابات ریاست جمهوری در این کمیسیون، نظیر دارا بودن حداقل مدرک فوق لیسانس و یا ذی مدخل نبودن شاخص جنسیت در موضوع احراز رجال سیاسی طرح نموده است، اما در زمینه شاخص‌های «رجال مذهبی» نامزدهای ریاست جمهوری هنوز مطلبی عنوان نشده است.

در قانون اساسی، مولفه رجال مذهبی بر رجال سیاسی مقدم است. بر اساس اصل ۱۱۳ قانون اساسی نیز «پس از مقام رهبری، رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است» و باید مجری احکام اسلامی و قانونی در یک کشور مسلمان باشد. روشن است کسی که قرار است عالی‌ترین مقام سیاسی پس از ولی فقیه باشد و اختیارات گسترده و وظایف سنگینی در حکومتی که بر مبنای اسلام اداره می‌شود، بر عهده داشته باشد، باید از بین رجال مذهبی انتخاب شود. در تفسیر مفهوم «رجال» در اصل ۱۱۵ قانون اساسی صرف نظر از مجادلات حقوقی در خصوص افاده معنای لغوی از واژه رجال، یعنی جمع رَجُل به معنی مرد و یا رجال به معنای اشخاص سرشناس و برجسته که می‌تواند اعم از مردان و زنان باشد؛ بایستی تاکید کرد ملاک و مناط احراز برجستگی به لحاظ دینی و مذهبی برای داوطلبان ریاست جمهوری، در قانون انتخابات مشخص نشده است.

در قانون انتخابات مجلس خبرگان، یکی از شرایط نامزدها، دارا بودن درجه اجتهاد، در حدی که قدرت استنباط بعض مسائل فقهی را داشته و بتواند ولی فقیه واجد شرایط رهبری را تشخیص دهد، می‌باشد. قانون انتخابات مجلس خبرگان، مرجع تشخیص دارا بودن شرایط مورد نظر را فقهای شورای نگهبان دانسته است. به‌طور معمول، فقهای مزبور، برای کسانی که اجتهادشان محرز نیست، اقدام به برگزاری امتحان و اختبار می‌نمایند و شرایط دیگر را با تحقیق و تفحص احراز می‌کنند. یعنی برای تشخیص درجه اجتهاد فقها و علمای بلادی که اجتهادشان محرز نیست، شورای نگهبان اقدام به برگزاری امتحان می‌کند، اما برای احراز شرط

رجال مذهبی بودن عالی‌ترین مقام سیاسی پس از مقام رهبری، هیچ تلاش مدونی صورت نمی‌پذیرد و به اشتها به دیانت، وثوق و شایستگی اخلاقی نامزد ریاست جمهوری، بسنده می‌شود. یا در موضوع التزام عملی به ولایت فقیه که یکی از شاخص‌های احراز صلاحیت نامزدهای انتخابات مجلس شورای اسلامی و یا ریاست جمهوری است و معمولاً مورد اعتراض نامزدهای رد صلاحیت شده قرار می‌گیرد، می‌توان با ضابطه‌مندی مدون، مانع از کژتابی‌ها و حتی برخوردهای سلیقه‌ای شد. رهبر معظم انقلاب در پاسخ به استفتائی پیرامون «التزام به ولایت فقیه» فرموده‌اند: «ولایت فقیه به معنای حاکمیت مجتهد جامع‌الشرایط در عصر غیبت است و شعبه‌ای است از ولایت ائمه اطهار (علیهم السلام) که همان ولایت رسول الله (صلی الله علیه و آله) می‌باشد و همین که از دستورات حکومتی ولی امر مسلمین اطاعت کنید، نشانگر التزام کامل به آن است»<sup>۱</sup>. مطمئناً بر اساس این استفتاء و دیدگاه حداقلی، می‌توان شاخص‌های قابل اندازه‌گیری در خصوص میزان التزام عملی افراد به ولایت فقیه را تعیین و مانع از برداشت‌های ناصواب شد. در همین راستا مقام معظم رهبری بارها تصریح کردند: «باید ملاک اصلی در نظرها و تصمیم‌گیری‌های شورای نگهبان، فقط قانون و ضابطه باشد و نباید به هیچ وجه به مصلحت‌اندیشی‌ها توجه شود»<sup>۲</sup>.

قانون اساسی، شورای نگهبان را موظف نموده که منطبق بر قوانین و فارغ از هرگونه مصلحت‌اندیشی، در احراز صلاحیت نامزدهای انتخابات و نظارت بر اجرای انتخابات عمل نماید. علی‌رغم این مسأله، ممکن است ضابطه‌مندی شورای نگهبان، برای برخی افراد و جریان‌های خوشایند نباشد، اما این امر، در فرایند کار شورای نگهبان تأثیرگذار نیست. به تعبیر مقام معظم رهبری: «معیار عبارت است از مقررات و قانون. سلايق نباید دخالت کند. گرایش سیاسی، گرایش گروهی، گرایش جناحی نباید دخالت کند. سفارش و توصیه نباید دخالت کند. امر قانون باید رعایت شود. گاهی ممکن است انسان به نظرش برسد که اگر این‌جا بر طبق قانون عمل کنیم، مصلحت نباشد. در همان‌جا رعایت قانون از رعایت آن مصلحت بالاتر و لازم‌تر است؛ چون اگر چنان‌چه بنا شد که با نظر اشخاص و افراد و مصلحت‌اندیشی این و آن، معیارها و ضابطه‌ها به هم بخورد، دیگر ضابطه‌ای باقی نخواهد ماند»<sup>۳</sup>.

نظارت در اصل ۹۹ قانون اساسی نظارتی است عام و مطلق که شامل همه مراحل انتخابات می‌شود و اختصاص به زمان برگزاری انتخابات ندارد، بلکه تعیین زمان برگزاری انتخابات، ثبت نام نامزدها، تشخیص صلاحیت آنها و نیز انجام رای‌گیری و تشخیص صحت و عدم صحت آن و اعلام صحت و بطلان آن در حوزه‌های انتخابیه را شامل می‌شود. از این

۱- پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری.

۲- رهبر معظم انقلاب، ۲۰/۴/۱۳۸۶.

۳- همان.

رو ضروریست مجمع تشخیص مصلحت نظام در تبیین سیاست‌های کلی انتخابات، ضمن تصریح در خصوص جایگاه عالی نظارتی شورای نگهبان در تمام انتخابات کشور، با تدوین از ضوابط مدون، امکان هر گونه جهت‌گیری‌های جانبدارانه را غیرممکن سازد.

#### ۴- هزینه‌های انتخابات

مسئله تعیین سقف هزینه‌ها برای داوطلبان شرکت در انتخابات و شفاف‌سازی مجاری تامین‌کننده این هزینه‌ها، از دیگر متغیرهایی است که بایستی در بررسی و تبیین سیاست‌های کلی انتخابات مطرح نظر قرار گیرد. یکی از آسیب‌های نظام انتخاباتی کشور در ادوار گذشته، نقش آفرینی باندهای قدرت و ثروت در تعیین نتیجه انتخابات از طریق تامین هزینه‌های مالی داوطلبان بوده است. فقدان احزاب قدرتمند که به لحاظ منابع مالی و اقتصادی توانایی تامین هزینه‌های داوطلبان را به شکل مشروع داشته باشند، یکی از علل نفوذ مافیایی باندهای قدرت و ثروت در انتخابات و تعیین‌کنندگی آنها در نتیجه انتخابات می‌باشد. در این راستا یکی از این آسیب‌ها، امتیازات و رانت‌هایی است که در دولت‌های مختلف به نفع اشخاص و جریانات خاص سیاسی و اقتصادی شکل می‌گیرد. بدین ترتیب، دولت‌ها امتیازاتی به یک یا چند فعال اقتصادی می‌دهند و از آنها انتظار دارند در هنگام انتخابات، هزینه‌های داوطلبان متمایل به آنها را تامین کنند.

از سویی برخی دولت‌ها اقدام به تاسیس حزب می‌کنند که در تاریخ انقلاب اسلامی در اغلب دوره‌ها مسبوق به سابقه بوده است و کمتر دولتی پس از روی کار آمدن به فکر تاسیس حزب با هزینه‌های پنهان دولتی نیفتاده است. این احزاب دولت ساخته، فاقد پایگاه اجتماعی و در بیشتر موارد گلخانه‌ای هستند و بلافاصله پس از آن که دولت متمایل به آنها از صحنه کنار رفت، یا رو به اضمحلال می‌روند و یا به یک حیات سیاسی محدود، بسنده می‌نمایند.

رهبر معظم انقلاب در آستانه انتخابات مجلس نهم در مقام توأسی به خیر، خطاب به نمایندگان مجلس هشتم تاکید کردند: «این خیلی خطر بزرگی است که کسی به خاطر تأمین نمایندگی در یک دوره، نزدیک بشود به صاحبان ثروت یا به صاحبان قدرت؛ این خیلی چیز بدی است؛ این از آن چیزهایی است که خدای متعال از آنها نمی‌گذرد و انتقام خواهد گرفت»<sup>۱</sup>. نزدیک شدن به ثروتمندان و قدرتمندان در انتخابات مختلف که نمونه‌های آن در اغلب کشورهای لیبرال دموکراتیک به چشم می‌خورد، نوعی سیاست سرمایه‌مدارانه و کاپیتالیستی است که به عنوان یک الگوی جهان‌شمول توسط غربی‌ها تجویز می‌شود. الگویی که در آن هدف، وسیله را توجیه می‌کند و داوطلب با هر ابزار مالی مشروع و یا غیر مشروعی می‌تواند به پیروزی در انتخابات دل‌بندد. این الگوی سیاسی به دلیل ماهیت ضد ارزشی آن، در اغلب

۱- رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۰/۰۳/۰۸.

کشورها با واکنش های اجتماعی مواجه می شود و «فساد سیاسی» نامزدها و مقامات، بلافاصله مورد محاکمه افکار عمومی قرار می گیرد.

در مجموع، سرمایه داری سیاسی مولد نوعی آزمندی و طمع در مدیریت کشور است که کوچک ترین تغییری را بر نمی تابد و در نهایت منجر به نقش آفرینی بی چون و چرای کانون های قدرت و ثروت در نتایج انتخابات می گردد. در کشور ما نیز کسانی هستند که تلاش می نمایند طبقه ممتاز جدیدی در نظام جمهوری اسلامی به وجود آورند. به دلیل انتخاب ها و انتصاب ها، مشرف بودن بر مراکز ثروت و از سایر طرق نامشروع، به اموال عمومی دست انداخته و تلاش می نمایند در هر انتخاباتی نزدیکان و هم فکران خود را به مجلس یا شوراها بفرستند.

مداخلات کانون های قدرت و ثروت، در کنار هزینه های سرسام آور انتخابات، ضرورت چاره اندیشی در خصوص منابع مالی داوطلبین را در قالب تعیین سیاست های کلی انتخابات در مجمع تشخیص مصلحت نظام بیشتر می کند. در برخی کشورها برای تأمین هزینه های انتخاباتی تدابیری اندیشیده شده است. مثلاً اگر یک کاندیدا درصد مشخصی از آراء مردم را کسب کند، هزینه های انتخاباتی او را دولت تأمین می نماید؛ اما چنان چه رأی او از درصد مورد نظر کمتر باشد، وجهی به او پرداخت نمی شود. در نتیجه کسانی در انتخابات کاندیدا می شوند که به طور معقول احتمال رأی آوری آنها وجود داشته باشد. در آمریکا، براساس قانون ۱۹۷۴ «کمیسون انتخابات فدرال»، نظارت بر هزینه های انتخاباتی توسط دو حزب اصلی یعنی دموکرات و جمهوری خواه انجام می شود. براساس این قوانین، میزان کمک افراد به نامزدها یک هزار دلار و نهادها و سازمانها ۵ هزار دلار می باشد. در فرانسه، «شورای قانون اساسی فرانسه» که نهادی هم تراز شورای نگهبان در ایران است، مسئولیت نظارت بر هزینه های تبلیغاتی - انتخاباتی داوطلبان و میزان بودجه نامزدها را بر عهده دارد. در آلمان، «احزاب» باید بر اساس اصل ۲۱ قانون اساسی این کشور، پاسخگوی هزینه های انتخابات به پارلمان و مردم باشند (قوانین مصوب ۱۹۶۷ و ۱۹۸۳). در انگلیس، بر اساس قانون سال ۲۰۰۱ که اصلاحیه ای از قانون سال ۱۸۸۳ است، هر کدام از نامزدها باید لیست حمایت کنندگان مالی خود را منتشر نمایند و هزینه های داوطلبان از سقف معینی نباید بیشتر باشد.<sup>۱</sup>

علی رغم تمام این تمهیدات قانونی، زمینه های دور زدن قانون در انتخابات کشورهای مختلف در زمینه مالی و هزینه های صرف شده برای تبلیغات به حدی است که تسلط صاحبان سرمایه بر انتخابات کاملاً محسوس و مشهود است. در مقابل، نظام جمهوری اسلامی، به عنوان نظامی منبعث از مردم سالاری دینی، که در انتخابات خود به دنبال تحقق نظر و اراده حقیقی مردم است، می بایست با چاره اندیشی در خصوص هزینه های انتخاباتی از تاثیر و تاثر باندهای

۱- پورتال شورای نگهبان قانون اساسی (<http://www.shora-gc.ir>).

قدرت و ثروت در انتخابات تا جایی که ممکن است جلوگیری نماید.

## (۵) تبلیغات انتخاباتی

یکی از مهم ترین ملاحظات انتخاباتی در نظام مردم سالار دینی «سلامت فضای انتخابات» و فراهم ساختن بسترها و زمینه های تفکر، نقد و داوری برای رای دهندگان؛ فارغ از جانبداری های مرسوم در جوامع دموکراتیک است، که بارها مورد تاکید رهبر معظم انقلاب قرار گرفته است. ایشان در سال ۱۳۸۵ در آستانه دو انتخابات شوراها و مجلس خبرگان در دیدار کارگزاران نظام خواستار توجه خاص مسئولین امر و تاثیرگذاران عرصه های سیاسی اجتماعی نسبت به «حفظ سلامت فضای انتخابات» شدند و تاکید کردند: «حالا که به تدریج نام نویسی ها شروع شده و مقدمات انتخابات فراهم شده است و تا زمان انتخابات، زمان زیادی نمانده، بایستی سلامت فضا را حفظ کنید. بعضی فضای انتخابات را خراب می کنند؛ تخریب کردن، اهانت کردن و خرد کردن شخصیت های گوناگون، همه بر خلاف اقتضای سلامت انتخابات است. هم مطبوعات، هم رادیو و تلویزیون، هم کسانی که به ابزارهای گوناگون ارتباط جمعی دیگری مجهز هستند. رایانه ها و شیوه های رایانه ای و هم کسانی که یک منبری برای سخن گفتن دارند؛ مثل خطبای جمعه و نمایندگان مجلس شورای اسلامی؛ همه توجه داشته باشند که تخریب، فضای انتخابات را خراب می کند»<sup>۱</sup>.

برگزاری یک انتخابات سالم، علاوه بر مجریان و ناظران متعهد، نیازمند یک فضای تبلیغاتی پاک و عاری از تهمت ها و تخریب هاست. دیالوگ های سیاسی در ایام انتخابات، تبلیغات میدانی و رسانه ای، مناظره ها و ... که در پیوند مستمر با تبلیغات منفی و مثبت نامزدها جریان می یابند، در صورتی که آیین گفتگو را رعایت کنند، می تواند به ارزیابی و قضاوت دقیق رای دهندگان از برنامه ها و عملکردهای کاندیداها یاری نماید، در غیر این صورت منجر به بوجود آمدن فضایی ناسالم می شود که در شان نظام مردم سالار دینی نیست.

یکی از رسالت های حاکمیت دینی در زمان انتخابات، توزیع عادلانه و منطقی امکانات تبلیغاتی و رسانه ای است. چنین توزیع عادلانه ای در لیبرال دموکراسی کمتر محقق می شود. تفوق رسانه ای برخی نامزدها و پروپاگاندای بی رحم در انتخابات مختلف غرب یکی از آسیب های سیستم دموکراسی در دنیای امروز است. در ایام انتخابات در نظام های لیبرال دموکراسی، پروپاگاندای تبلیغاتی بی رحمانه، به ترور شخصیت نامزدها می پردازد. اما در مقابل در الگوی بی بدیل مردم سالاری دینی یکی از بایسته های رقابت اخلاقی و سلامت فضای انتخابات، اجتناب و گریز از تبلیغات منفی در قالب تخریب، تهمت، تشویش اذهان

۱- رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۵/۰۷/۱۸

عمومی و مدیریت افکار عمومی در دالان های تو در توی منافع حزبی و گروهی حاکم بر رسانه هاست.

امروزه مبارزات انتخاباتی منفی و حملات شخصی به رقبای سیاسی در اغلب دموکراسی ها - به درست یا غلط - متداول و در برخی مواقع گریزناپذیر است. شدداد و غلاظ این تمایل و انگیزه روان شناختی شاید بسته به ماهیت مردم سالاری ها متفاوت باشد، اما در مجموع، اعتقاد بر این است که با بلوغ عقلانی جوامع، از میزان عمق و دامنه ی تاثیر عوامل منفی در انتخابات کاسته خواهد شد. دروستن<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) در کتاب خود به نام «مغز سیاسی<sup>۲</sup>»، به بررسی و تحلیل این موضوع می پردازد. وی ضمن پذیرش اصل تمایل نامزدها به تبلیغات تنگ نظرانه و منفی علیه رقبایشان، در عین حال معتقد است، منفی گرایی مفرط ممکن است کاندیدا را مانند شخصی عصبانی جلوه دهد و یک کاندیدای عصبانی هرگز موفق به کسب پیروزی نمی شود. در تجربه برگزاری بیش از ۳۰ انتخابات در ۳۳ سال گذشته در جمهوری اسلامی، واقعیت مبارزات منفی را نمی توان در انتخابات مختلف انکار کرد. نامزدها به عنوان نماینده سیاست ها، مواضع و منافع جریانات رقیب در انتخابات، ضمن تبیین برنامه های خود، گوشه چشمی هم به مبارزه منفی علیه نامزد رقیب دارند. البته تلاش های غیر حقوقی برای تضمین سلامت فضای انتخابات در سال های گذشته از جانب برخی نهادها، نظیر کمیسیون ماده ۱۰ احزاب و هم چنین سایر گروه ها و بازیگران سیاسی نظیر منشور رقابت های سیاسی و عناوینی از این دست، صورت گرفته است که البته هیچ کدام ضمانت اجرایی نداشته و داوطلبین در فرایند رقابت های داغ انتخاباتی التفات چندانی به آنها ندارند. ماهیت اخلاقی و دینی جمهوری اسلامی اقتضا می کند که در سیاست های کلی انتخابات چاره اندیشی در خصوص «سلامت فضای انتخابات» و ارائه چارچوب کلان اسلامی در نحوه تبلیغات نامزدها صورت گیرد.

### ۶) فرایندهای زیردستی انتخاب کارگزاران سیاسی

یکی دیگر از متغیرهایی که ضرورت دارد در جریان تعیین سیاست های کلی انتخابات در مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد امعان نظر قرار گیرد، ساماندهی فرایندهای زیردستی انتخاب کارگزاران سیاسی در سطوح مختلفی نظیر ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان و شوراهای اسلامی شهر و روستا به منظور تحقق هدف شایسته سالاری در فرایندهای گردش نخبگان است. شایسته سالاری در نظام مردم سالار دینی بسته به التفات نظام مند در جهت حضور کارگزاران دارای صلاحیت های آکادمیک و تجربی در حوزه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و هم چنین بینش صحیح مذهبی است که وارد چرخه قدرت

۱- Drew Westen.

۲- The Political Brain.

می شوند؛ کسانی که دین را ملعبه قدرت طلبی خویش نمی نمایند.

در جریان انتخابات ریاست جمهوری همواره شاهد ثبت نام عده کثیری از افراد فاقد صلاحیت های لازم و اولیه هستیم؛ که معمولاً سوژه خبری رسانه ها در داخل و خارج قرار می گیرند. در قانون انتخابات ریاست جمهوری صرف توان خواندن و نوشتن برای ثبت نام داوطلبان کفایت می کند. در قانون انتخابات اغلب جوامع دموکراتیک برای ثبت نام داوطلبان از جمله نمایندگی در مجلس، شرایطی خاص نظیر امضای چند هزار نفری مردم یک منطقه در نظر گرفته شده است. این امر که جهت ثبت نام در انتخابات مجلس شورای اسلامی حداقل ۵۰ نفر از نخبگان یک شهر فردی را برای کاندیداتوری معرفی نمایند و یا برای ریاست جمهوری ۵۰۰ نخبه اعم از حقوق دانان، نمایندگان ادوار مجلس، اساتید دانشگاه، ائمه جمعه و جماعات کاندیدا را معرفی کنند، یک امر کاملاً پذیرفته شده در دموکراسی های معاصر است.

در مواد ۳۵ و ۳۶ قانون انتخابات ریاست جمهوری مصوب سال ۱۳۸۶ هیچ گونه محدودیتی برای سطح علمی و مذهبی نامزدهای ریاست جمهوری قید نشده است. این در حالی است که بر اساس اصل ۱۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پس از مقام رهبری، رئیس جمهور عالی ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می شود، بر عهده دارد. یکی از الزامات و شرایط احراز عالی ترین منصب رسمی کشور بعد از مقام رهبری، داشتن سوابق و ویژگی های ممتاز است. بی شک یکی از این شرایط داشتن صلاحیت های علمی در دو حوزه مذهبی و اجرایی است. یعنی از آن جا که بر اساس اصل ۱۱۵ قانون اساسی رئیس جمهور بایستی از میان رجال مذهبی و سیاسی برگزیده شود، فردی که قرار است رئیس جمهور آینده ایران باشد می بایست سطوح مطلوبی از آگاهی های دینی و مذهبی را دارا باشد. البته برای مقام رهبری بر اساس شرایط و صفات مندرج در اصل ۱۰۹ قانون اساسی صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه لازم است. بدیهی است نمی توان از رئیس جمهور که عالی ترین مقام اجرایی کشور است انتظار داشت که «أعلم الناس بحلال الله و حرامه و جمیع ما یحتاج الیه الناس» باشد؛ اما این بدین معنا نیز نیست که فردی فاقد هرگونه صلاحیت علمی در حوزه های دینی و مذهبی، مصداق رجل مذهبی باشد. از سویی مصداق رجل مذهبی بودن، تنها با دانش مذهبی داشتن محرز نمی گردد. رئیس جمهور طبق اصل ۱۱۵ باید ضمن دارا بودن تقوا، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی و مذهب رسمی کشور باشد. یعنی به آن چه می داند ایمان داشته باشد و متخلق به اخلاق الهی و اسلامی باشد.

رئیس جمهور علاوه بر داشتن صلاحیت های علمی در حوزه های دینی و مذهبی در ساحات سیاسی و اجرایی نیز باید از تخصص لازم برخوردار باشد. امروزه در اغلب کشورهای

پیشرفته دنیا ۸۰ درصد مناصب عالی در اختیار دانش‌آموختگان رشته‌هایی نظیر علوم سیاسی، حقوق، مدیریت و اقتصاد است. این در حالی است که در کشور ما ۸۰ درصد مناصب عالی در اختیار افرادی فاقد این دانش‌ها است. پست‌های سیاسی، تقنینی و اجرایی مهم در ۳۳ سال گذشته بیشتر در اختیار مهندسان و پزشکان بوده است. باراک اوباما رئیس‌جمهور فعلی آمریکا دارای مدرک لیسانس علوم سیاسی در گرایش روابط بین‌الملل از دانشگاه کلمبیا و دکترای حقوق از دانشگاه هاروارد است. جرج دبلیو بوش داری مدرک کارشناسی ارشد اقتصاد بازرگانی بود. بیل کلینتون نیز در مدرسه حقوق ییل دکترای حقوق گرفته است و ... اما مدارک تحصیلی روسای جمهور در کشور ما یا از این سوی بام انتزاع‌گرایی افتاده است و یا از آن سوی عمل‌گرایی! روسای جمهور ما یا کارشناس فلسفه هستند و یا دکترای ترفیک. هم‌خوانی تخصص‌های علمی به خصوص در سطوح مدیریت سیاسی و اجتماعی کمک‌شایانی به پیشبرد امور در حوزه‌های داخلی و خارجی می‌کند.

## ۷- گذار از دوقطبی‌های متنازع در انتخابات

برخی افراد و جریان‌های سیاسی، عمده آسیب‌های موجود در نهاد انتخابات را معلول نواقص و کاستی‌های قانون انتخابات کشور می‌دانند. به اعتقاد این دسته در قانون انتخابات باید پیش‌بینی شود اولاً اگر تقلبی در انتخابات صورت گرفت باید این عمل جرم تلقی گردیده و تنها به بطلان صندوق‌های مزبور اکتفا نشود. ثانیاً چنان‌چه نامزدی پس از اعلام نتیجه، آن را نپذیرفت، مکانیسم‌های قانونی کشور را مورد خدشه قرار داد و با استفاده از احساسات هواداران خود موجی از ناامنی و آشوب را در کشور به وجود آورد، وی نیز مجرم شناخته شود و در محاکم قضایی مجازات گردد. در واقع این دسته معتقدند چنان‌چه حدود و مقررات رقابت در کشور کاملاً مدون گردد، دیگر شاهد چنین اتفاقاتی نخواهیم بود که عده‌ای با قانون‌گریزی و یا سوء استفاده از خلاءهای قانونی موجی از بلوا و ناامنی را در کشور پدید آورند. اما فراتر از نرم‌افزارهای قانونی، به نظر می‌رسد در قالب سیاست‌های کلی انتخابات بایستی یک مهندسی در الگوی رقابت سیاسی ایران صورت پذیرد و انتخابات به عرصه رقابت سالم و بلوغ نخبگی تبدیل گردد.

توزیع مصالحه‌آمیز تمایلات سیاست‌گذارانه، عبور از شکاف‌ها و هم‌چنین وقوف بازیگران اصلی به نیازهای حیاتی کشور و مردم متناسب با گفتمان پیشرفت و عدالت، تنها با معیارها و استانداردهای بومی ممکن است. این امر مستلزم تغییرات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در سیاست‌های کلی و فرایندهای زیردستی و بالادستی انتخاب کارگزاران سیاسی است. امروزه با کاهش از عمق شکاف‌های ایدئولوژیک و بنیادین و گرایش به میانه‌روی در رفتار سیاسی احزاب، بازیگران اصلی در دهه چهارم انقلاب باید کانون رقابت و هویت خود



را در سطوح مادون سیاست گذاری ها، برنامه های عملیاتی و منافع و منابع قدرت موجود در فضای اجتماعی جستجو کنند.

برگزاری ۱۰ دوره انتخابات ریاست جمهوری، نه دوره مجلس شورای اسلامی، سه دوره مجلس خبرگان رهبری و چهار دوره شوراهای اسلامی شهر و روستا، تصویری شفاف از بایسته های الگوی رقابت سیاسی را فراروی تحلیل گران بی طرف می گشاید که نیازمند مطالعه دقیق و سیاست گذاری در سطح کلان است. چنان چه این الگوسازی در داخل کشور و در میان خانواده انقلاب صورت نپذیرد، کسانی خارج از مرزها هستند که حتی یک لحظه در طراحی و القای فرهنگ رقابت به ما تردید نمی کنند. نمونه عینی این آسیب خطرناک، در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری به نمایش درآمد. هر چند در این انتخابات به واسطه تمهیدات شورای نگهبان و وزارت کشور، بسیاری از شبهات غیر مستند و بعضاً هدفمند پاسخ داده شد، اما تا چه زمان می توان چنین مدل رقابت آسیب پذیری را اجرا نمود؟

با توجه به منابع تولید و توزیع ارزش های سیاسی متکثر در ایران، تعدد احزاب به خودی خود موجب بی ثباتی نیست، بلکه میزان آشتی ناپذیری یا قطب بندی میان احزاب نقش بیشتری در ستیز آلود شدن فضای رقابت دارد. ثبات سیاسی، مولود توافق نهایی نخبگان و مردم بر هویت عمومی جامعه و اصولی است که بر مبنای آن یک نظام سیاسی شکل گرفته است. با مدل سازی عالمانه رقابت در ایران، آینده سیاست از افق ثبات پایدار طلوع می کند. در این چشم انداز، تمامی ساختارها و فرآیندهای سیاسی به تقویت و حمایت از یکدیگر تمایل دارند. همبستگی ملی در کنار همگرایی و تجانس نخبگان سیاسی در اصول بنیادین ضمن افزایش کیفیت مردم سالاری دینی، تعارضات فلسفی و بنیادین رهبران سیاسی را به اختلافات سلیقه ای در مدیریت ها و سیاست گذاری ها فرو می کاهد و مقدمات کارآمدی سیاسی را فراهم می کند. این مهم، بیش از پیش التفات و اهتمام عالمان، اندیشمندان سیاسی و سیاست گذاران در سطح کلان را می طلبد.

### **جمع بندی و پیشنهاد چارچوبی جهت تنظیم نظام جامع انتخاباتی**

اینک به سوال آغازین این نوشتار باز می گردیم که هدف از تعیین سیاست های کلی انتخابات چیست؟ قرار است خروجی این ساز و کار چه باشد؟ خروجی این نظام جامع، آیا قرار است در نهایت منجر به تقویت ساختار کلان مردم سالاری دینی گردد و یا تضعیف آن؟ آن چه از بررسی ملاحظات و متغیرهای پیش گفته در این مقاله، به عنوان تلفیقی از مزیت ها و نقایص قانون انتخابات فعلی و برخی متغیرهای جدید ناظر به قواعد تصمیم گیری، سیاست گذاری و قانون گذاری در حوزه انتخابات به دست می آید، این است که علاوه بر رفع مشکلات گذشته در برگزاری انتخابات، ضرورت طراحی یک چارچوب کلان در قالب

سیاست های کلی انتخابات به منظور پایه گذاری و تنظیم نظام جامع انتخاباتی، یکی از مهم ترین ماموریت های مجمع تشخیص مصلحت نظام در بررسی این سیاست ها محسوب می شود. این چارچوب کلان شامل مولفه های زیرساختی در قانون انتخابات است که شامل مواردی نظیر تدوین و تصویب یک قانون جامع و مانع انتخابات، پویا به نظام انتخاباتی تناسبی و لیستی بسته، اصلاحات در نحوه مدیریت قوه مجریه بر هیئت های اجرایی به منظور جلوگیری از برخوردهای سلیقه ای و دخالت تمایلات سیاسی و جناحی و هم چنین صرفه جویی در هزینه های اجرایی انتخابات با اصلاحاتی در حد نصاب رای انتخاب شوندگان مانند انتخابات مجلس در تهران که معمولاً به دور دوم کشیده می شود، تبیین و تصریح جرائم و تشدید مجازات تخلفات انتخاباتی، ضابطه مندی و یکسان سازی نظارت شورای نگهبان، تعیین سقف هزینه ها برای داوطلبان انتخابات و شفاف سازی مجاری تامین کننده، تهیه چارچوبی اسلامی - حقوقی برای تبلیغات، معرفی داوطلبان نمایندگی در مجلس، شوراها و یا نامزدهای ریاست جمهوری توسط جمعی از نخبگان، تعیین حداقل هایی برای صلاحیت های علمی و عملی داوطلبان در حوزه های مختلف مذهبی، سیاسی و اجرایی و ... می باشد.

این مولفه ها در سطح میانی، اهدافی نظیر تقویت حزب، شفاف سازی نظام انتخاباتی، جلوگیری از نقش آفرینی باندهای قدرت و ثروت، برطرف ساختن شبهات و تردیدها در نحوه احراز صلاحیت ها و اعلام نتایج، مقابله اساسی با فساد سیاسی - اقتصادی، سلامت فضای انتخابات، گذار از دوقطبی های متنازع، شایسته سالاری و بستر سازی برای ایجاد انعطافات لازم در نوسازی نظام سیاسی را محقق می نماید. این چارچوب راهنما برای تنظیم نظام جامع انتخاباتی در ایران در نهایت به تثبیت و تقویت هنجارها و ارزش های سیاسی مردم سالاری دینی مانند بسط ید ولایت فقیه در کشورداری و تحقق عینی و عملی اراده مردم در اداره امور کشور به عنوان دو مولفه اصلی در کنار سایر مولفه های دولت سازی اسلامی می انجامد.

### منابع مأخذ

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- مجموعه قوانین انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۹)، اداره کل روابط عمومی شورای نگهبان.
- پایگاه اینترنتی دفتر رهبر معظم انقلاب (<http://farsi.khamenei.ir>).
- پایگاه اینترنتی مجمع تشخیص مصلحت نظام (<http://maslahat.ir>)
- ایوبی، حجت الله، نشانه ها و ویژگی های نظام انتخاباتی کارآمد: اصلاح قوانین انتخاباتی،

اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۴۸-۱۴۷.

- دهشیار، حسین (۱۳۹۱)، انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و هزینه های انتخاباتی، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- ایوبی، حجت الله، نقد و بررسی نظام های انتخاباتی جهان، پورتال رسمی وزارت کشور.
- اسمیت، بی.سی، ثبات سیاسی، دموکراسی توسعه، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی و محمد قائنی نجفی، اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال شانزدهم، ش ۱۶۹-۱۷۰.
- اسمیت، برایان کلایو (۱۳۸۰)، فهم سیاست جهان سوم، نظریه های توسعه و دگرگونی سیاسی. ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی و محمدسعید قائنی نجفی، تهران، وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.
- دوورژه، موریس (۱۳۷۲)، جامعه شناسی سیاسی، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)، درآمدی بر نسبت رقابت سیاسی با سرانه ناامنی در رقابت ها و چالش های سیاسی در ایران امروز، مجموعه مقالات، جلد اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- André Blais and R.K. Carty, «The Psychological Impact of Electoral Laws: Duverger's Elusive Factor», *British Journal of political Science*, vol,21(1991),pp.79-93.
- Drew Westen (2008), *The Political Brain: The Role of Emotion in Deciding the Fate of the Nation*, PublicAffairs.
- Lustick, Ian (2000), «Stability in deeply divided societies: Consociationalism versus control», in John Hutchinson and Antony D. Smith (eds.) *Critical Concepts in Political Science*, Vol.5, London: Routledge